

بهار؛ تاریخ‌نگاری متعهد به اجتماع

یحیی آتش‌زا

استادیار - عضو هیأت علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

آمینة فیضی

دانشجوی زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

چکیده

بدون تردید یکی از چهره‌های ادبی، سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه ملک‌الشعرا بهار است. بهار، محقق، ادیب و سیاستمدار معاصر است و به دلیل ویژگی‌های فردی و شرایط اجتماعی عصرش، از افرادی است که تحقیقات فراوانی در زمینه‌های مختلف درباره او شده است. در این تحقیقات و پژوهش‌ها بهار را چهره‌های ادبی، سیاسی و منتقد می‌دانند، اما در کنار این ویژگی‌ها می‌توان بهار را مورخی چیره‌دست نیز به شمار آورد، که در سراسر اشعارش، تاریخ پر فراز و نشیب مشروطه منعکس گردیده است، از این جهت منبع موثقی برای دریافت اطلاعات تاریخی و فرهنگی آن دوران به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: ملک‌الشعرا بهار، مورخ، تعهد اجتماعی، دیوان اشعار

مقدمه

بهار، سیاستمدار، ادیب و منتقد بزرگی بود که در دیار خراسان پا به عرصه حیات نهاد، از همان اوان کودکی و نوجوانی به محافل ادبی و سیاسی خراسان راه یافت و نبوغ سیاسی و ادبی خویش را بروز داد. بهار پر شور در زمینه‌های مختلف ادبی، سیاسی و تاریخی اطلاعات زیادی داشت و این دانش و آگاهی از او اعجوبه‌ای ساخته بود که در میان همعصرانش چهره‌ای یگانه داشت. او ادبیات را در خدمت آرمان و اهداف بلند مرتبه‌اش که مبارزه با استبداد بود، قرار داد و این گونه فصلی نو در ادبیات ایران تخلق کرد، «شعر فارسی را که پیش از آن در خدمت عشق و تملق و توفیدی بود به خدمت عدالت و آزادی در آورد و تحولی عظیم را در ادبیات ما سبب گردید» (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۲۷). می‌توان اذعان کرد که در تاریخ ادبیات ایران کسی به پایش نمی‌رسد مگر فردوسی که تمدن ایران را آن هنگام که در خطر زوال و نابودی بود، دوباره احیا کرد. در عصر مشروطه بهار به احیاء تمدن ایران زمین پرداخت. او مظهر کامل قومیت و فرهنگ ایرانی است در شکل معتدل و همه کس پسندش... هیچ شاعری پس از فردوسی در شعرش، چهره ایران را زیباتر از بهار توصیف نکرده است و این نکته‌ای است که از فرط وضوح، گاه ممکن است مخفی باشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۶۲). تاکنون کسی در حیطه تاریخ‌نگاری بهار تحقیق مستقلی انجام نداده است، شاید به این دلیل که ابعاد دیگر شخصیت او زیر سیطره شخصیت محققانه، سیاست‌مدار و ادیب وی پنهان مانده است. در حالی که دیوان اشعار بهار حاوی اطلاعات تاریخی زیادی در خصوص مشروطه، مجلس، چهره‌ها و جناح‌های مهم سیاسی، شاهان و وزیران است «بهار و میرزاده عشقی شاعرانی هستند که سروده‌های آن‌ها امضای تاریخی دارد و اگر دنبال آئینه‌ای برای حدود مشروطه بگردیم، سروده‌های آنان، به‌ویژه بهار درخشان‌ترین آئینه برای انعکاس اتفاقات زمان و گرفت و گیرها و رنج‌ها و اصلاً مردم به حساب می‌آید» (آبان افلتی، ۱۳۸۷). بهار از جمله شاعران و روشنفکرانی به شمار می‌آید که رابطه ادبیات و تاریخ را به

خوبی درک کرده بود به همین سبب است که ادبیات را وسیله‌ای جهت انعکاس رخدادهای تاریخی عصر زمان خود می‌دانست.

۱. رابطه تاریخ و ادبیات

تاریخ‌نگاری فقط کار مورخ نیست. شرح مکتوب احوال و اعمال انسان را به هر روش و مبتنی بر هر مکتب و رعایت هر شیوه تنظیم و تدوین، تاریخ‌نگاری می‌نامیم که در معنای خاص بر ثبت و ضبط وقایع و احوال سیاسی و اجتماعی هر قوم یا جامعه جهانی اطلاق می‌گردد. همچنین باید توجه داشت که انگیزه‌ها، اهداف و فواید یا علل غایبی تاریخ‌نگاری، عامل متغیر در فن تاریخ‌نگاری است (سجادی، عالم زاده، ۱۳۸۰: ۱۱). تاریخ و ادبیات رابطه‌ای انکارناپذیر و دو سویه دارند؛ زیرا هر دو از بستر جامعه بر می‌خیزند و تحت تأثیر حوادث جامعه خلق می‌شوند هر چند که مورخ به صورت رسمی به نگارش وقایع می‌پردازد؛ اما ادبیات هم انعکاس‌دهنده وقایع جامعه است، ادبیات یکی از منابع موثق تاریخ و فرهنگ هر جامعه‌ای است و تاریخ هر جامعه را می‌توان از خلال ادبیات آن جامعه جستجو کرد. مورخ ممکن است تحت تأثیر فشار سیاسی حاکم بر جامعه وقایع را سانسور کند و واقعیت‌ها را نتواند بیان کند و یا به سود نظام حاکم بر جامعه به ثبت وقایع پردازد؛ اما ادبیات همواره به شیوه‌ها و روش‌هایی چون استفاده از زبان تمثیل، رمز، کنایه و... از زیر تیغ سانسور در امان است. ادبیات در روشن ساختن فصل‌های مهم تاریخ، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و اوضاع و احوال کلی و عمومی زندگانی گذشتگان سهمی به سزا دارد. «تاریخ مکتوب ما و بیشتر مردم جهان بسیاری از حقایق را درز گرفته و از کنار آن با سکوت گذشته و آن جا که مهر از لب برداشته نیز همیشه در گفتار و داوری خود صادق نبوده‌است. علتش تا حد زیادی روشن است. زیرا مورخ هنگام نگاشتن تاریخ از عقل مصلحت‌اندیش و آینده‌نگر پیروی کرده است. در حالی که ادبیات از این حیث کاملاً طرف مقابل قرار دارد. زیرا حاکم و زورمداران جامعه کارنویسنده یا شاعر را آنچنان جدی نمی‌گیرند که کار مورخ را، بنابراین سانسور حاکم بر ادبیات رنگ پریده‌تر از سانسور حاکم بر تاریخ است، از این گذشته ادیب و شاعر به جای عقل مصلحت‌اندیش از احساس و عشق مصلحت‌پریش اطاعت می‌کند» (ترابی، بیتا: ۶۱۳). از آنجا که ادیبان و هنرمندان نیز جزئی از پیکره جامعه هستند، وقایع و حوادث تاریخی در فکر و اندیشه آنان تأثیر مستقیم دارد؛ به همین جهت است که در اشعار شاعران متعدد بسیاری از حوادث و اتفاقات سیاسی، تاریخی و اجتماعی نمود یافته است «باید دانست که زبان روایتی متون ادبی همواره با افراط و تفریط همراه و با عواطف و احساسات آمیخته است و دقت چندانی ندارد، اما به جاودانه شدن بعضی اتفاقات که قلم تاریخ‌نویسان توان یا اجازه نگارش آن‌ها را ندارد توفیق می‌یابد. ادیب و هنرمند متأثر از فضای جامعه است و اتفاقات ریز و درشت سیاسی و اجتماعی می‌تواند بهانه‌ای برای خلق یک اثر شود» (ماهیار، جدیدی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۲۱). به سخن دیگر بین شاعر و جامعه رابطه‌ای دو سویه وجود دارد که گاه یکی به آفرینش دیگری می‌انجامد. بهار تحت شرایط اجتماعی عصر و حوادث تاریخی که واقع شد، شعر را در خدمت تاریخ ایران و مشروطه قرار داد. به نظر می‌رسد که او تحت تأثیر رمانتیسم ادبی به تاریخ‌نگاری منظوم پرداخته باشد.

۲. سبک تاریخ‌نگاری بهار

مهم‌ترین ویژگی اشعار تاریخی بهار دوری از تعصب و غرض‌ورزی شخصی است. او از این که حب و بغض‌ها و سوءتفاهم‌ها و اختلافات مسلکی مانع از داوری عادلانه می‌شد، رنج می‌برد. بهار زمان را بهترین داور برای رسیدن به حقایق تاریخی می‌داند «تاریخ نویس آن چه بایدنوشت می‌نویسد و دنیا نیز بر اثر دیدن حوادث و بروز نتایج هر سیاستی

به صدق و کذب قضایا پی می‌برد. این جاست که نه مورخ می‌تواند گزاره گویی کند و نه صاحب غرضان می‌تواند دنباله اغراض خود را بگیرند... اگر کسی هم پیدا شود که بتواند تا دیری به زور و جبر و شهرت‌های گزاره و صورت‌سازی باز افکار را فریب دهد و سیر طبیعی تاریخ را به خلاف حقیقت منحرف سازد، پس از بیست یا پنجاه یا صد سال روزی خواهد رسید که باز حقیقت از غیر حقیقت جدا گردد» (بهار، ۱۳۵۷: ۲/۴۲). مزیت اشعار تاریخی بهار نسبت به هم‌عصران خود این است که وی شاهد عینی بسیاری از وقایع بوده است، از طرف دیگر او عضو یکی از این احزاب به شمار می‌آمد، پس نوشته‌های وی می‌تواند سندیت داشته باشد. بهار در ثبت این وقایع نهایت وسواس را به کار برده؛ زیرا به خوبی واقف است که شاعر فقط متعلق به عصر خود نیست، بلکه در آینده نیز وجود خواهد داشت، به همین خاطر هم توجه هم‌عصرانش را به خود جلب کرده و هم درباره تاریخ عصر خویش آثاری را به یادگار گذاشت تا نسل‌های آینده بتوانند از آن بهره بگیرند و این شیوه و سبکی نو بود که او به آن پرداخت. از ویژگی‌های دیگر اشعار تاریخی بهار توجه به جزئیات است. در ترکیب بند بلند آیینی عبرت به خاطر علاقه‌ای که به تاریخ ایران دارد، با استادی و زبردستی خاص تاریخ ایران را از آغاز حکومت کیومرث تا زمان محمد علی شاه به قدرت و قریحه ذاتی که دارد به رشته نظم در آورده و هر خواننده‌ای با خواندن این ترکیب‌بند اطلاعات تاریخی زیادی کسب خواهد کرد.

کاختلاف بزرگان کرد با ما هر چه کرد
(بهار، ۱/۱۳۸۷: ۷۰)

خیل عریان عرب غالب نیامد در نبرد

در این ترکیب‌بند علاوه بر تاریخ پادشاهان گذشته، اطلاعات زیادی در خصوص شخصیت‌ها، پادشاهان، مکان‌ها به خواننده داده می‌شود و از این حیث هم اهمیت فراوانی دارد:

نام آن فرخ مکان را بندر عباس کرد
(همان ۱/۷۸)

چون ز همت آن خزف را همسر الماس کرد

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

در این نوع از اشعار بهار صور خیال کمتر به کار رفته است، زیرا در نگاه نخست بیان مسائل اجتماعی و قوی انقلابی‌گری در شعر او چندان قوی است که مجال اندیشیدن درباره صور خیال را به او نمی‌دهد. بهار همچون راوی نکته‌دان دقیقی است که حوادث عصر خود را ترسیم می‌کند. بنا به گفته بهار اساس شعر بر سه قسم است: اشعار اخلاقی، اشعار وصفی، اشعار روایی. اشعار روایی را اشعاری می‌داند که وقایع تاریخی، سرگذشت‌ها، حسب حال‌ها را حکایت نماید. (عابدی، ۱۳۹۰: ۳۵۴-۳۵۵) به نظر می‌رسد که بهار در قسم سوم یعنی اشعار روایی موفق‌تر بوده است «حضور گسترده مسائل سیاسی و اجتماعی روزگار، در بستر آگاهی‌های ادبی و همراه با وقوف تاریخی شاعر، دیوان وی را به ادبی‌ترین روایت شعری ایران از دوره‌های پر تلاطم از سرگذشت انسان و جامعه ایرانی تبدیل کرده است» (همان، ۱۷).

۳. تاریخ‌نگاری از دید بهار

بهار آگاهانه از شعر برای ثبت وقایع تاریخی عصر خود استفاده کرده است، وی فن تاریخ را یکی از فنون بزرگ بشر به حساب می‌آورد و می‌گوید: «آنچه در بادی نظر از تاریخ به اعتقاد متقدمان مستفاد و به ذهن تبادر می‌کند، تاریخ شعبه‌ای است از ادب که شرح زندگی پادشاهان، پیامبران، وزرا... در آن ثبت شده است. تاریخ‌نویسی، در قدیم از یک جهت با شعر شباهت تام و تمامی داشته، زیرا در اعصار مختلف وسیله استفاده پادشاهان و شهرت آنان بوده است و تاریخ هم همین کار را انجام داده. به همین دلیل است که بیشتر مورخین حکما نبوده‌اند، بلکه بیشتر آن‌ها ادبا و کتاب و قلیلی هم فقها بوده‌اند. پس عجیب نیست که گروهی تاریخ را یک شعبه از ادب دانسته‌اند.» (بهار، ۱۳۷۱، ۲: ۷۸) بهار تاریخ و ادب را دو یار دیرینه می‌داند که از آغاز پیدایش در انتقال و سپردن فرهنگ و تمدن به دست وارثان نقش بارزی ایفا کرده‌اند «اولی در بررسی حوادث مربوط به انسان که نماینده مجموعه تلاش‌های اوست، در محور ارتباط با هم نوع خود و طبیعت به عنوان گزارشگر رخدادها به زمان می‌نگرد و آن دیگری به عنوان مترجمان عاطفه و اندیشه انسان مطرح می‌شود. اگر چه بستر این دو رود جدا از همدیگر است، یعنی یکی در بستر تشریح و تبیین حادثه‌ها حرکت می‌کند و دومی به عنوان بیانگر درون انسان در گذرگاه آرمان‌ها پیش می‌رود، ولی سرانجام در انتها به هم می‌پیوندند و در تشکیل دریای عظیم فرهنگ و تمدن سهم بزرگی را به خود اختصاص می‌دهند.» (همان، ۲۷۰) بهار دنیای تاریخ را در برابر جهان آرمانی ادبیات محدود می‌داند. چرا که آیین تاریخ اگر زنگار نگرفته باشد باید زشت و زیبا را چنان که هست بنماید، ولی عالم ادب خطاپوش است و اگر ضرورتاً چهره زشتی را هم نشان می‌دهد به این امید است که این عیان کردن بتواند چراغی فرا راه گم کرده‌ها باشد. (همان) دکتر ثروت معتقد است که تاریخ‌نگاری برای خواننده تأثیر لازم و عبرت آموزی را به جا نمی‌گذارد (ثروت، ۱۳۹۰: ۲۴۹). بهار با آگاهی قالب نظم را برای تاریخ‌نگاری بر می‌گزیند، زیرا به قدرت نفوذ شعر و تأثیرگذاری آن واقف است. او در ثبت واقعیت‌های تاریخی هم در تاریخ احزاب سیاسی و هم در شعرهایش جانب امانت را حفظ کرده است. وی در خصوص یادداشت‌هایی که در تاریخ مشروطه و انقراض قاجاریه می‌نویسد، اذعان می‌دارد: «بسیاری از جوانان که باید هادیان افکار و پیشروان کاروان سیاست و اجتماع آینده شوند، از داستان‌های گذشته هیچ آگاهی ندارند». در ادامه می‌گوید: «من در این تاریخ مختصر، سر مویی توهین و تعرض به کسی نکرده و در نگارش این تاریخ، باری خدای را شاهد می‌گیرم که دقیقه‌ای از راستی و اعتدال و بیان حق و حقیقت عدول نکرده‌ام» (عابدی، ۱۳۹۰: ۱۰۰). در واقع بهار خواسته است تاریخی بنویسد که با دوری از قضاوت‌های شخصی و جانبدارانه به باز نمودن واقعیت‌ها اکتفا کند. در اشعار تاریخی بهار با خود صمیمی شاعر چندان سروکار نداریم و بیشتر با یک سیاستمدار هنرمند که ذوقش را در خدمت اجتماع و اهداف سیاسی قرار داده‌است مواجهیم. «در دیوان هیچ شاعر قصیده سرایی به همه عظمت و بی‌کرانگی شعر سنایی و استواری ساخت و انسجام فکری ناصر خسرو و تصاویر بدیع خاقانی، به اندازه دیوان بهار تنوع اغراض وجود ندارد و این یکی از سعادت‌های بهار بوده است که قصیده را در روزگاری به خدمت شعر خویش در آورده که تاریخ اجتماعی ایران و جهان هر روز گونه و رنگ تازه‌ای به خود گرفته و تجارب شعری قدما را به خدمت اندیشه‌های خویش در آورده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۶۳۸-۶۳۹). بهار در برابر تاریخ ایران آنقدر حساس است که وقتی تابلویی از بهرام گور می‌کشند با دیدنش به حدی ناراحت می‌شود که قلم به دست می‌گیرد و اعتراض خود را این‌گونه بیان می‌کند: «این منظره‌های عجیب، از شکل رستم و دیو درب حمام سه راهی عباس‌آباد شروع شده و به قالیچه‌های صدویست تومانی کار کاشان و کرمان ختم می‌شود... چرا؟ برای این که صنعت کمال الملک هنوز پنهان و منحصر و خصوصی است، برای اینکه این آثار متعلق به ملت است، ولی آثار مدرسه صنایع مستظرفه فقط متعلق به کمال الملک» (بهار، ۱/ ۱۳۷۱: ۲۴۱-۲۴۲).

در عصر مشروطه مکتب رمانتیک تأثیر فراوانی بر آزادی‌خواهان و روشنفکران داشت. می‌توان گفت که در ثبت وقایع تاریخی بهار نیز تحت تأثیر این مکتب بوده است؛ زیرا رمانتیک‌ها در جستجوی اعتلا بخشیدن به جهانی یک دست و منطبق با قانون بودند و در نگارش تاریخ می‌کوشیدند تاریخی، خلاق، زنده و دارای ارزش و اعتبار بنویسند. آشکارسازی واقعیت نیز در سطح وسیعی و با همان ساز و کارها یعنی بهره‌گیری از احساسات با هدف تأثیر نهادن بر عواطف مخاطبان صورت گرفت (ملایی توانایی، ۱۳۸۹: ۹). بهار به این امر واقف بوده که ادبیات فقط بیان احساس زودگذر نیست؛ بلکه ادبیات می‌تواند معرف تاریخ در دوره‌ای خاص باشد، دیوان بهار فقط یک اثر ادبی نیست، بهار با اشعارش روح زمانه خود را بازتاب می‌دهد. او با این کار می‌خواهد سنت مقبول و رایج جامعه خود را به آیندگان منتقل سازد و مانع از فراموشی آن گردد. در سروده‌های بهار به ویژه آن بخش از سروده‌هایش که در دوران مشروطه خلق شده ردپای بسیاری از رویدادهای مهم تاریخی دیده می‌شود که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

۳-۱. تاریخ مشروطه

بهار از همان اوان نوجوانی در مجامع آزادی‌خواهان شرکت می‌کرد و به واسطه انس و الفتی که با افکار جدید پیدا کرده بود، به مشروطه و آزادی دل بست و به جمع مشروطه‌خواهان خراسان درآمد. دیوان بهار در بخش مربوط به مشروطه یکی از منابع مهم به شمار می‌آید. بهار قصیده «به شکرانه توشیح قانون اساسی» را در سال ۱۲۸۴ به شکرانه امضاء قانون اساسی از طرف مظفرالدین شاه سرود. که در این قصیده به مدح مظفرالدین شاه پرداخته است، و بلافاصله به پند و اندرز شاه می‌پردازد و او را به عدل و داد ترغیب می‌کند:

بیداد اکنون نه در خور است که گشتست
ملک یگویی خانه‌ایست بنیادش عدل
داد و دهش گر بنا نهند به کشور

گیتی از عدل شاه پر دهش و داد
خانه نباید اگر نباشد بنیاد
به که حصاری کنند ز آن و پولاد

(بهار، ۱۳۸۷/۱: ۴۸)

قصیده عدل مظفر سال ۱۲۸۴ بعد از دستور تلگرافی اعلان انتخابات دوره اول مجلس شورای ملی به مشهد و خبر مرگ مظفرالدین شاه و جلوس محمد علی میرزا به تخت سلطنت، در سن بیست سالگی سرود و این قصیده را در مجلس عمومی که برای تهیه مقدمات انتخابات اولین دوره مجلس شورا، در شهر مشهد تشکیل یافته بود خواند:

انجمن عدل را به ملک بیاراست
مجلسی آراست کاندرو ز همه ملک
خواست به هم اتحاد دولت و ملت
ملکی کاو راست عدل قانون در دست

دست ستم را بیست و پای ستمگر
انجمن آیند بخردان هنرور
تا بنمایند خیر ملک وی از شر...
سر بیافزاد همی به برج دو پیکر
(همان، ۴۹)

ترجیع‌بند سبحان الله / این چه رنگ است به صورت مطایبه و استهزا از زبان محمد علیشاه سروده است. محمد علیشاه در سال ۱۲۸۹ خورشیدی به تحریک دولت روس تزاری از راه گمش تپه و استرآباد (گرگان) به تهران حمله کرد در این حمله سپاهیان او به وسیله قوای ملی ایران در هم شکسته شد و صاحب منصبان ارشد او کشته شدند و خود دوباره به روسیه فرار کرد. (همان، ۱۷۰-۱۷۳)

۲-۳. وقایع تاریخی عصر بهار

دیوان اشعار بهار از وقایع و اتفاقات تاریخی، سیاسی و اجتماعی مشحون است. این مضامین ناشی از حوادث و اتفاقاتی است که در عصر او رخ داده است. آراین‌پور معتقد است: «حوادثی که در عصر او بر ایران گذشته و تلاطم‌های روحی جامعه، به تمامی بر آثارش نقش گذاشته‌اند. اگر بهار پنجاه سال زودتر به دنیا آمده بود، آثارش به کلی رنگ دیگری می‌گرفت و شاید نمی‌توانست خود را از قید جمود رهایی بخشد» (آراین‌پور، ۱۳۷۲/۲: ۳۳۴). قصیده پیام به وزیر خارجه انگلستان راجع به معاهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس (تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ) است، که مخاطب آن سرداروداد گری وزیر خارجه انگلیس است. این قصیده مشهورترین چکامه سیاسی عصر به شمار رفته و مورد توجه و پسند محافل سیاسی و ادبی ایران و ممالک فارسی زبان جهان قرار گرفت. در این قصیده بهار در قالب طنز از دخالت انگلیس نسبت به اوضاع داخلی ایران انتقاد کرده است:

سخن از من برگو به سر ادوارد گری...
 رأی بیزمارک بر رأی تو رائی سپری
 بر فواز هرمان نام تو در جلوه‌گری
 (بهار، ۱۳۸۷/۱: ۱۷۳-۱۷۴)

سوی لندن گذر ای پاک نسیم سحری
 نقشه پطر بر فکر تو نقشی بر آب
 ز تولون جیش ناپلئون نگذشتی گر بود

تبعید و زندان هیچ‌گاه مانع از آن نشد که بهار دست از فعالیت سیاسی بردارد. در سال ۱۲۹۰ خورشیدی آن هنگام که در تهران تبعید بود، با شنیدن به توپ بستن خرم امام رضا آرام ننشست، یک قصیده و ترکیب‌بندی با عنوان «توپ روس» در این واقعه تلخ سرود و از دخالت روس در ایجاد این واقعه پرده برداشت، و با جرأت و جسارت به انتقاد از دولت پرداخت؛ اما عامل اصلی این فاجعه از نظر وی بی‌لیاقتی دولت وقت بود. توجه به جزئیات وقایع تاریخی چنانکه در این شعر مشهود است یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ‌نگاری بهار محسوب می‌شود:

بر با نبی بر گو از تربت خونین پسر...
 مدفنش را کند از توپ عدو، زیر و زبر
 کرده آن کار که وحشی ننماید باور
 داده جان از یورش لشکر روس کافر
 کائن خرابی همه از ماست در انجام نظر
 (همان، ۱۸۷-۱۸۸)

بوی خون ای باد از طوس سوی یثرب
 ای عجب آل علی را کشد و از پس مرگ
 بنگر باز که این خیره تمدن خواهان
 هشتصد مرد و زن از بومی و زوار غریب
 ما اگر خانه خرابیم ز کس مان گله نیست

بهار مستزاد کار ایران با خداست را در سال ۱۲۸۶ ه. ش در اواخر سلطنت محمدعلی شاه قاجار به خاطر کینه‌جویی‌هایی که با مشروطه خواهان و آزادی‌طلبان داشته سروده است. وی در این شعر از این‌که کشتی ملت به گرداب افتاده و در موج‌های بیداد و دریای استبداد غرق شده و شاه و شیخ و شحنه و میر مست شده و سراسر کشور را غوغا در بر گرفته اظهار نومی‌دی می‌کند.

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست	کار	ایران	با	خداست
مذهب شاهنشاه ایران ز مذهب‌ها جداست	کار	ایران	با	خداست

(همان، ۱۲۴)

ترجیع‌بند جمهوری‌نامه را به صورت طنز در سال ۱۳۰۲ خورشیدی و اواخر سلطنت احمد شاه قاجار، که نغمه جمهوری در ایران بلند شد در مخالفت با جمهوری سرود. بهار علت مخالفت خود را با جمهوری در تاریخ احزاب این‌گونه بیان می‌کند: «تفاوتی که بین جمهوری ما با مشروطه بود این بود که مشروطه بر ضد دولتی بسیار فاسد و درباری تبه و پادشاهی مستبد بر پا شد و علمای مملکت که نفوذ بسیار شدیدی در بین مردم داشتند، از آن فکر حمایت کردند، خاصه بزرگانی مانند سیدعبدالله بهبهانی، سید محمود طباطبایی و مرحوم آخوند خراسانی. اما جمهوری بر ضد حکومت مشروطه و قانون اساسی برپا شد... علاوه بر این‌ها، موافقت جدی سردار سپه با جمهوری اسباب تردید و بیم و احتیاط مردم شده» (بهار، ۱۳۵۷/۲: ۴۱). قصیده انقراض قاجاریه را در سال ۱۳۰۴ خورشیدی پس از تصویب قانون خلع سلسله قاجار و تعویض سلطنت، در تهران سروده و از سستی و کاهلی آخرین پادشاه قاجار و عدم اعتنا به اصول مملکت داری و آیین پادشاهی یاد کرده و با اشاره به علل انقراض پادشاهان، پنندهای عبرت‌آمیزی داده است:

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

بدرود گفت دولت قاجاری	اندر آمد	از پس بیماری
فرجام زشت خویش پدید آورد	کندی و کاهلی و سبکساری...	
بنگر یکی به چشم خرد کایدون	بر باد رفت دولت قاجاری	
ملکی که دی به زور پدید آمد	امروز ناپدید شد از زاری	

(بهار، ۱۳۸۷: ۳۱۸)

به خاطر جلوگیری از اطاله کلام فقط به عنوان قصاید اکتفا می‌شود قصیده دین و دولت، قصیده یک صفحه از تاریخ، کار ایران با خداست، وطن در خطر است، ای وطن من، ایران مال شماس، حب الوطن، درد وطن، خون خیابانی، غائله گیلان و... نمونه‌ای از این نوع شعر است.

۴. تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی ایرانی

تاریخ‌نگاری ملی‌گرایانه در دوران قاجاریه و مشروطه تحت تأثیر ناسیونالیسم اروپایی رواج یافت. وجوه مشترک آن تأکید بر سه ویژگی وطن‌جغرافیایی، نژاد آریایی و زبان فارسی است. انگیزه‌ها و علل گرایش ناسیونالیسم باستان‌گرا به صورت طیف اصلی و برجسته این جریان را شاید بتوان سه مسأله ذکر کرد:

- ۱- حل احساس تحقیر ایرانیان به دنبال شکست در عرصه‌های گوناگون.
- ۲- استفاده ابزاری از باستان‌گرایی به صورت حلقه واسط و گذرگاه مناسب برای عبور جامعه ایران از فرهنگ اسلامی به طرف فرهنگ غربی.
- ۳- تقلید از غربیان که با نگاه به یونان باستان توانستند رنسانس را پدید آورده خود را متجدد کنند (بی‌نا، ۱۳۹۰: ۲۸۱).

بهار تحت تأثیر این جریان به تاریخ گذشته ایران به خصوص تاریخ باستان روی آورد. عشق به ایران کهن و عشق به تاریخ ایران در سراسر دیوان بهار به چشم می‌خورد، تاریخ گذشته ایران در نظر او آینه حکمت و عبرت است. بهار در قصاید مکرر از مفاخر و مآثر گذشتگان یاد می‌کند. وقتی از فرمانروایان گذشته سخن می‌گوید، لحن او شور و هیجان تمام دارد. این شیفتگی به پهلوانان و سرداران قدیم ایران، در کلام او همه جا هست (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۳۸۰).

بنگر کائن ملک باستانی از آغاز
ژئومرث بود و کشور جمشید
جای منوچهر بود و به نگه نوذر...
فخر همی کرد ازین قضیه پیمبر
(بهار، ۱۳۸۷/۱: ۴۹۰)

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

در قصیده رزم نامه گذشته پر فروغ ایران را به تصویر می‌کشد تا به شاه یادآوری کند که ایران دارای چه عظمتی بوده و هم اکنون به خاطر بی‌لیاقتی او به چه وضعیتی گرفتار شده است.

خطه ایران منزلگه شیران که خداهش
کشوری جای مه آبادی و شاهان مدی
نام پیروزی بنگاشته بر هر سر سنگ
مهرانی چو کیا مرز و چو آذر هوشنگ
آن که جمشیدش بر کرد ز کیوان دیهیم
وانکه کاوشش بنهاد به گردون اورنگ
تیردادش زد بردیده یونانی تیر
اردشیرش زد بر تارک رومانی...
(همان، ۱۷۶-۱۷۷)

۵. ترسیم چهره شخصیت‌های تاریخی معاصر بهار

بهار در دیوانش درباره چهره‌های تاریخ‌ساز ایران عصر مشروطه شعر سروده و از این جهت اطلاعات فراوانی به مخاطب ارائه می‌دهد. تصویری که بهار از این شخصیت‌ها ارائه می‌دهد، بسیار دقیق است، وی به جایگاه اجتماعی شخصیت‌ها و نقش آن‌ها در مجموعه‌های سیاسی توجه ویژه‌ای دارد. امتیاز بهار در این نوع از اشعارش این است که اطلاعات زیادی در مورد شخصیت‌ها به خواننده ارائه می‌دهد و همچون کارشناس سیاسی به تحلیل کارها و رویکرد آن‌ها می‌پردازد و همین اطلاعات باعث می‌شود که مخاطب با ذهنی باز با رویدادهای تاریخی مواجه شود و روابط میان شخصیت‌ها و وقایع را بهتر درک کند.

ناصرالملک آمد و جایش نشست

بعد جاهل عالمی برجای هست

سرخ و سبز و ازرق و زرد و کبود

این چنین بر خستگان بخشود سود
(بهار، ۱/ ۱۳۸۷: ۱۸۴-۱۸۵)

نایب شه چون ز گیتی رخت بست

ظاهراً گفتند جمعی کم خرد

آمد از روسیه اولتیماتومی

ناصرالملک از طبابت‌های خویش

برای جلوگیری از اطاله کلام فقط به عنوان اشعاری که بهار در خصوص شخصیت‌های تاریخی اعمال و کارهای آن‌ها سروده اکتفا می‌کنیم؛ زیرا این موضوع تحقیقی جداگانه می‌طلبد. قصیده‌ای مشارالسلطنه که بهار با زبان طنز معایب مستشارالسلطنه را ذکر کرده است (ج ۱ / ۲۴۷-۲۴۸)، قصیده‌ی نوش جانت به رسم مطایبه برای سرتیب محمدخان درگاهی، رئیس شهربانی مقتدر اوایل سلطنت رضا شاه که مردی فوق‌العاده جاه طلب و کینه‌ای بود و بعدها مورد غضب رضاخان قرار گرفت و در همان زندانی که خود برای زندانی کردن مردم ساخته بود، افکنده شد (ج ۱ / ۴۱۱). بهار برای عبرت گرفتن دیگران گریزکوتاهی به واقعه زندانی شدن تیمور تاش وزیر دربار پهلوی که از پشت میز وزارت به زندان افتاد و در همان جا جان سپرد، می‌زند.

www.anjomanfarsi.ir

عاقبت آرزو و طمع، خواری است
وقعه «تیمور» میرین سرسری
(ج ۱، ۴۱۱)

قصیده صدر اصفهان در وصف مرحوم صدر ساخته است (ج ۱ / ۴۷۷-۴۷۸)، قصیده‌ی در وصف آتلیه نقاشی اسعد (ج ۱ / ۵۳۴). بهار ترانه ملی را در حمایت از مشروطیت همزمان با مبارزه ستارخان و باقرخان از تبریز و سرداران بختیاری از جنوب و آیت الله سید محمد طباطبایی علیه استبداد سرود. او در این ترانه جامعه و ملت را به حمایت از مشروطیت تشویق کرده است (ج ۱، ۱۳۴).

بهار، تنها درباره شخصیت‌های تاریخی ایران شعر نسوده، بلکه از چهره‌های ادبی و تاریخی سایر ملل هم در دیوانش نام برده، همچون جمیل ذهاوی، ناپلئون، تزار روسو ... ترکیب‌بند در رثاء جمیل صدقی‌الذهاوی که یکی از

حکماء و شعراء مشهور عرب بود که با استاد بهار دوستی دیرینه و مفاوضات ادبی داشت و در کنگره فردوسی در زمرة دانشمندان و مستشرقین از طرف دولت عراق به ایران آمد، در رثاء وی سرود.

دجله بغداد بر مرگ ذهاوی خون گریست
نی خطا گفتم که شرق از نیل تا سیحون گریست
اشک ریزان شد عراق از ماتم فرزند خویش
همچو یونان کز غم هجران افلاطون گریست
(بهار، ۱/۱۳۸۷: ۵۲۶)

قصیده «رها کند پی کار و دود سوی پیکار» (همان، ۱/ ۲۵۳)، درود به پوشکین را در خرداد ۱۳۲۸ به مناسبت صدو پنجاهمین سال تولد پوشکین شاعر و نویسنده شهیر روسی، مرحوم بهار این اشعار را در بستر بیماری سرود و در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروری خوانده شد.

دروود بر تو و فضل و کمالت ای پوشکین
به طبع نازک و لطف خیالت ای پوشکین
نیافت عمر تو با روز مردنت پایان
کنون بود صدو پنجاه سالت ای پوشکین
(همان/ ۵۹۶)

۶. دخالت بیگانگان در ایران در امور داخلی ایران رنج می‌برد و با سیاست‌های استعماری به پیکار بر می‌خاست؛ بهار همواره از دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران رنج می‌برد و با سیاست‌های استعماری به پیکار بر می‌خاست؛ زیرا عشق به وطن در سراسر وجودش جریان داشت و همواره برای آزادی و سرافرازی ایران تلاش می‌کرد «اگر دو نهنگ بزرگ شط بهار را بخواهیم صید کنیم، یکی مسئله وطن است و دیگر آزادی» (شفیعی کدکنی ۱۳۸۰: ۳۷-۳۸). در سایه عشق به وطن است که بهار به مبارزه با بیگانگان بر می‌خیزد و از این که می‌بیند ایران میدان تاخت و تاز دول غربی بخصوص روسیه و انگلیس شده است، تأسف می‌خورد و امیدوار است که شیری از بیشه ایران به پا خیزد و ایران را به استقلال رساند.

www.anjomanfarsi.ir

بر ما ز روس و انگلیس است بیش
اجحاف و کین و ستیز
بر ما رسد هر دم دو صد گونه نیش
فرقه بی‌تمیز
(بهار، ۱/۱۳۸۷: ۱۱۶)

عصر بهار عصر رقابت دو کشور روسیه و انگلیس برای دسترسی به منابع غنی نفت ایران و امتیازات روز افزون بود. هیچ کدام از این وقایع از تیررس چشمان تیزبین بهار پنهان نمی‌ماند و همواره به دست‌اندازی بیگانگان به خاک ایران اعتراض داشت. انعقاد قرار داد ترکمنچای که یکی از عوامل رقابت طولانی مدت این دو کشور در ایران بود، بهار را بر آن داشت که خشم و نفرت خود را در چهار سروده ایران مال شماسست، وطن درخطر است، پیام به وزیر خارجه

انگلستان و صفحه‌ای از تاریخ ابراز دارد. بدون شک این اشعار سند گویا و معتبری است از بیان دخالت کشورهای غربی در ایران و بسیاری از این اشعار به صورت تصنیف اجرا شد و در میان مردم رواج یافت و به این ترتیب در آگاهی مردم نسبت به دخالت دول غربی تأثیر چشم‌گیری داشت. از جمله این تصنیف‌ها می‌توان از تصنیف *ای وطن چرا ویرانه گشتی*، رقیب وطن، *ایران هنگام کار است، ای وطن من اشاره کرد*. مسمط *ایران مال شماس* را در سال ۱۲۹۰ موقعی که دولت روس تزاری به ایران اولتیماتوم داد و انقلاب شروع شد در مشهد سروده است، در این مسمط از سستی و بی‌لیاقتی سردمداران حکومتی انتقاد می‌کند و گذشته درخشان ایران را به یاد آن‌ها می‌آورد و از این که هم اکنون دستخوش دخالت روس‌هاست، تأسف می‌خورد.

هان ای ایرانیان ایران اندر بلاست	مملکت داریوش دستخوش نیکلاست
مرکز ملک کیان در دهن ازدهاست	غیرت اسلام کو؟ جنبش ملی کجاست
دولت روس از شمال رایت کین بفراشت	به محو دین مبین به خیره همت گماشت
به خاک ایران نخست تخم عداوت بکاشت	به غصب ایران سپس پیش کند یادداشت (بهار، ۱۳۸۷/۱: ۲۰۸)

بهار در تبعید نیز اخبار ایران را دنبال می‌کرد و نمی‌توانست نسبت به اوضاع مملکت بی‌تفاوت باشد. قصیده خیانت را زمانی که در بجنورد به حالت تبعید بود سرود. در سال ۱۲۹۴ شمسی هنگامی که محمد ولی خان سپهدار به ریاست وزرا برقرار بود، بعد از مهاجرت رؤسای احزاب و وکلاء از تهران به بغداد، اسلامبول و برلن نفوذ روس و انگلیس در ایران شدت یافته بود و دولت ایران را به تصدیق معاهده‌ای که بین خودشان در ۱۹۱۵ م. منعقد شده بود و مداخله در امور مالی ایران را به وسیله کمیسیون مختلط لازم می‌شمرد، مجبور ساختند و مداخلات دیگری هم در سواحل بحر خزر و خلیج فارس و غیره با اجازه دولت ایران می‌نمودند.

آن را ننگون است رایتش	من هیچ نخواهم حمایتش
وآن دیو که این کار خواسته است	دیوانه بخوانند ملتش...
گر داده خطی اینچنین خطاست	وین بنده گران است قیمتش
بخشد وطن خود را به رایگان	و انگاه گریزد ز خشیتش (بهار، ۱۳۸۷/۱: ۲۴۴-۲۴۵)

۶- وقایع مجلس

از دستاوردهای مهم اجتماعی انقلاب مشروطه، تأسیس مجلس و رواج دموکراسی در ایران بود. که در زمان مظفردالدین شاه بنیان گذاشته شد. تشکیل مجلس برای عموم مردم خوشحال کننده بود. بهار از ابتدای تشکیل مجلس حضور داشت، می‌توان اذعان کرد که از چهره‌های تأثیر گذار در تشکیل مجلس بود و پنج دوره در مجلس به عنوان نماینده مردمی

حضور داشت. با تیزبینی و هوشیاری وقایع مجلس را دنبال می‌کرد و به ثبت این وقایع در تاریخ احزاب سیاسی، دیوان اشعار و خاطرات روزانه‌اش پرداخته‌است. ملک الشعراء بهار در آغاز تأسیس مجلس دیدی مثبت داشت و معتقد بود که مجلس زیربنای دموکراسی و عدالت‌محوری در ایران است:

در مجلس به فرخی وا شد	آن چه گم گشته بود پیدا شد
شید رخشان عدل طالع گشت	دیو دژخیم ظلم رسوا شد
بانگ «پاینده باد آزادی»	از ثری باز تا ثریا شد

(همان، ۲۴۰-۲۴۱)

اما چندی نگذشت که همه امیدهای بهار برای اجرای قانون توسط مجلس و نمایندگان به یأس بدل شد؛ زیرا بسیاری از نمایندگان سواد سیاسی لازم بهره‌ای نبرده بودند. بهار انتقادهای خود را به مجلس در ترجیع‌بند دوز و کلک انتخابات بیان می‌کند و بی‌پرده با زبان طنز به انتقاد از مجلس می‌پردازد:

ماه مشروطه در این ملک طلوعیدن کرد	انتخابات دگر بار شروعیدن کرد
شیخ در منبر و محراب خشوعیدن کرد	حقه و دوز و کلک باز شیوعیدن کرد

(همان، ۱۹۰-۱۹۱)

انتقاد از نمایندگان، نحوه انتخابات، دخالت شاه در امور مجلس، بحث ثروت‌اندوزی نمایندگان (ج ۵۸۶/۱)، انتصابی بودن نمایندگان نه انتخابی بودن آن‌ها (ج ۴۲۸/۱) همه اموری هستند که بهار در اشعارش به آن‌ها پرداخته است. از جریان‌های مهم سیاسی در عصر بهار تغییر حکومت از قاجاریه به پهلوی بود که مجلس نقش زیادی در این انتقال حکومت داشت. همان‌طور که قبلاً ذکر گردید بهار از مخالفان سرسخت این جریان بود. این مخالفت باعث ترور ناموفق او و کشته شدن واعظ قزوینی به جای بهار به دستور رضاخان شد. اما مخالفت‌های اقلیت مجلس پنجم بیهوده بود و در سال ۱۳۰۴ (ه.ش) با اکثریت ۸۰ رأی موافق و پنج رأی مخالف انقراض سلسله سلطنت قاجاریه اعلام شد. بهار نحوه این تغییر سلطنت را در شعر زیر به خوبی بیان کرده است:

تدین گفته مجلس هست با من	نمایم اکثریت را معین
شود این کار پیش از عید روشن	به جمهوری بگیریم رأی قطعاً
نه قانون می‌شود مانع نه افکار	به زور مشت، فیصل می‌دهم کار

بهار با توانایی که دارد صحنه مجلس را همچون فیلمی برای مخاطب نمایش می‌دهد، حتاکی‌ها، اعمال فشار بر نمایندگان و سیلی خوردن مدرس توسط تدین و... را به خوبی تصویر کرده است:

نایب کرد دیگر هیچ مس مس	به باید رفت فوری توی مجلس
-------------------------	---------------------------

اگر حرفی شنیدیم از مدرس
جوابش گفت باید رطب و یابس
و گر مقصود خود را کرد تکرار
پیچیمش به دور حلق، دستار
(بهار، ۱، ۱۳۸۷: ۳۲۱-۳۲۴)

تأخیر انتخابات مجلس چهارم حس ملی بهار را جریحه‌دار کرده بود و به راحتی با این مسأله ملی کنار نمی‌آمد، همین امر باعث شد که در قصیده‌ای با عنوان «به چه کارید» نمایندگان مجلس را با زبان تند و گزنده به باد انتقاد بگیرد.

۷- وقایع بین‌المللی

بهار نه تنها به مسائل سیاسی و اجتماعی ایران اهمیت می‌داد، نسبت به مسائل سایر کشورها نیز حساس بود و وقایع و اتفاقات این کشورها از نگاه تیزبین او دور نمی‌ماند. او شاهد جنگ جهانی اول و دوم بود، بهار با روح لطیف و حساسش همواره از جنگ نفرت داشت. این نفرت را در قصیده معروف جغد جنگ بیان می‌کند:

فغان ز جغد جنگ و مرغوی او
که تا ابد بریده باد نای او
(بهار، ۱/۱۳۸۷: ۶۰۰)

وقایع و اتفاقات بین‌المللی در دیوان بهار را می‌توان به سه گروه تقسیم بندی کرد:

۷-۱. استقلال کشورها

استقلال و آزادی ایران همواره آرزوی دیرینه بهار بوده، و در این راه با قلم خویش به مبارزه علیه اشغالگران روس و انگلیس پرداخته‌است. دخالت‌های انگلیس در ایران بهار را وا داشت که نفرت خود را در قصیده نفرین بر انگلیس (ج ۱/ ۵۵۴) بیان کند. این استقلال را فقط برای ایران نمی‌خواست، بلکه استقلال تمام سرزمین‌های استعمارزده را خواهان بود، به همین دلیل است که با شنیدن استقلال هند، پاکستان، ترکیه شادی خود را در سرودن اشعارش ابراز می‌دارد از جمله مسمطی مستزادگونه را پس از انقلاب آزادی‌خواهی دولت عثمانی و سقوط سلطان عبدالحمید پادشاه مستبد ترک و جلوس سلطان محمد خامس که مقارن مشروطیت ایران بود سروده است. در این مسمط از عناصر حماسی بهره برده و نیروی خیر را در عناصر مثبتی چون اسفندیار، تهمتن و بدی را همچون افراسیاب ترسیم می‌کند، و از اتحاد ایران و ترکیه در گذشته و ترغیب شاه به حفظ این اتحاد سخن می‌گوید.

بگذشت آن کافراسیاب
خزان آید به ملک چمن
کاذر مهش آذر فرورد
به جان با نیروی تهمتن
کاردیبهشت آید چو اسفندیار
با گرزۀ گوسار
(همان/ ۱۱۲)

دو چامه پاکستان و یادگار بهار را پس از استقلال پاکستان سرود و در آن از وحدت نژاد و مذهب و مکارم اخلاقی و حس استقلال طلبی و مودت و ملت را ستوده و اندرزهای سودمندی برای ترقی و تعالی آینده پاکستان داده است (ج ۱، و ۶۰۰). قصیده ناتمام ایران و هند را هم در استقلال هند سرود (ج ۱/۵۸۹).

۲-۷. عاقبت شاهان مستبد

یکی از ویژگی‌های بارز اشعار تاریخی بهار پند و اندرز به حاکمان قدرت است، بهار به عنوان انسانی آگاه وقایع تاریخی گذشته و حال را برای عبرت آموزی بیان می‌کند. انقلاب مردمی روسیه و سرنگونی «تزار روس» دستاویزی است برای بهار تا قدرت مردمی را به شاه یادآوری کند:

ز خصم بر شه خوارزم و والی اترار
که رزمجویی غوغا بکشت زار، تزار...
(بهار، ۱/۱۳۸۷: ۲۵۳)

...ز رزم خوار شمردن، ترا رسد که رسید
مبین تو زار و زبون مردمان غوغا را

۳-۷. جنگ جهانی اول و دوم

با وجودی که ایران در جنگ جهانی اول و بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود، اما نیروهای درگیر جنگ این بی‌طرفی را نادیده گرفتند و نیروهای روس و انگلیس به اشغال ایران پرداختند و خسارات فراوانی به ایران رسید از جمله فقر و قحطی، خدشه‌دار شدن استقلال سیاسی، تعطیلی مجلس سوم، تبعید آزادی‌خواهان، عدم امنیت اجتماعی. بهار که می‌دید ایران یگانه عشقش در چنین وضعی است با شنیدن پیروزی آلمان‌ها قصیده فتح ورشو را در مدح قیصر آلمان و نکوهش تزار روس سرود؛ زیرا بهار از روس و انگلیس به خاطر قرار داد ۱۹۰۷ و دخالت‌های همیشگی آن‌ها در امور ایران دل خوشی نداشت.

در هم شکست حشمت اسلو را...
پاریس شده پذیره روا رو را
حق سیاست کلمانسو را
چون شیر شرز ساقه این گو را
(همان/ ۲۳۰)

قیصر گرفت خطه ورشو را
بلژیک شد به خیره سپر تا آنک
پاریس از انگلستان یاری جست
یک سو به روس گفت که هان بشکن

مسمط/اعلان جنگ به مناسبت جنگ بین الملل اول که تازه شروع شده بود اسامی و اصطلاحات مربوط به آن جنگ را نیز ضمن تشبیهات و استعارات لطیفی آورده است. بهار سیاست مدبرانه احمدشاه در قبال جنگ و اعلام بی‌طرفی ایران را بیان می‌کند و به شاه توصیه می‌کند که از این فرصتی که پیش آمده و دشمنان خارجی ایران مشغول جنگ هستند برای آبادانی و عمران ایران بکوشد.

مه شوال بیاراست سپاهی ز انجم
گفت بایکوت عمومی را بر دار زخم
ملک ایران احمد شه پاکیزه سرشت

داد دیشب به مه روزه یک اولتیماتوم
در خمخانه کن آزاد به روی مردم...
که به پیشانیش ایزد خط انصاف نوشت
(بهار، ۱/۱۳۸۷: ۲۱۷)

قصیده خیال خام در بحبوحه جنگ ژاپن و چین و هنگامی که موجبات جنگ عمومی دوم در پشت پرده‌های سیاست فراهم می‌گشت و دول زورمند در ظاهر گفتگو از ترک سلاح کرده و در باطن استعمار ملل ضعیف را وجهه حرص و آز خود قرار داده بودند.

کسان که شور به ترک سلاح عام کنند
مسلمست که جنگ از جهان نخواهد رفت

خدنگ غمزه خونریز را چه نام کنند؟
ز روی وهم گروهی خیال خام کنند
(همان ۱/۵۲۳)

در سال ۱۲۹۳ شمسی و شروع جنگ بین‌الملل اول، آن هنگام که سپاه عثمانی به ریاست حسین رئوف‌بیگ از سرحدات غربی ایران به داخل کشور هجوم آوردند و تبریز را اشغال کردند و کشمکش نظامی بین عثمانی و روس به اوج خود رسید، گروهی مرکب از نظامیان عثمانی و آلمانی تحرکاتی را در منطقه خوزستان و اطراف آن آغاز کردند. این فعل و انفعالات موجب شد که انگلیسی‌ها به بهانه خرابکاری در امتداد خطوط نفت بهانه‌ای تازه به دست آورند و نیروهای خود را رهسپار اهواز نمایند و حتی تا مسجد سلیمان هم پیشروی کنند (معراج، ۱۳۸۹). همین امر باعث شد با وجودی که بهار دوستداران آلمان و ترک و از خصمان روس تزاری و متفقین وی بود به حکم وطن پرستی در مقالاتی در شاعت ترکان و رفتار آنان نوشت و قصیده‌آواز خلد را نیز در این موضوع سرود.

ما را بشکست پرخاش ملوک
این یک به شمال، آن یک به جنوب

پرخاش ملوک مرگ فقر است
این یک به جفا، آن یک به مل است...
(همان/۲۲۸)

نتیجه گیری

ادبیات یکی از منابع موثق تاریخ و فرهنگ هر جامعه است و تاریخ هر جامعه را می‌توان از خلال ادبیات آن جامعه جستجو کرد. در شرح وقایع تاریخی، شاعر بر مورخ رجحان دارد؛ زیرا مورخ ممکن است تحت تأثیر فشار حاکم بر جامعه وقایع را به سود حاکمان زر و زور به ثبت رساند؛ اما ادبیات همواره با شیوه‌ها و روش‌های استفاده از رمز، کنایه تمثیل و... از سانسور در امان است. نام ملک‌الشعراى بهار با انقلاب مشروطه گره خورده است و تحت شرایط اجتماعی عصر و حوادث تاریخی که واقع شد شعر را در خدمت ایران و مشروطه قرار داد. به نظر می‌رسد او تحت تأثیر رمانتیسم

ادبی به تاریخ‌نگاری منظوم پرداخته باشد. بهار تاریخ و ادب را دو یار دیرینه می‌داند که در انتقال و سپردن فرهنگ و تمدن به دست وارثان نقش بارزی ایفا می‌کنند. دوری از تعصب، توجه به جزئیات، شاهد عینی وقایع تاریخی، چهره‌حزبی بهار از ویژگی‌های مکتب تاریخ‌نگاری بهار به شمار می‌آید. بهار به این امر واقف بوده که ادبیات فقط بیان احساس زودگذر نیست؛ بلکه ادبیات می‌تواند معرف دوره‌ای خاص باشد، بر همین اساس می‌توان گفت که دیوان بهار فقط یک اثر ادبی نیست، بهار با اشعارش روح زمانه خود را بازتاب می‌دهد. تاریخ مشروطه، وقایع تاریخی عصر بهار، توجه به وطن، ترسیم چهره شخصیت‌های تاریخی معاصر، دخالت بیگانگان در ایران، وقایع مجلس و وقایع بین‌المللی از جمله مباحث تاریخی است که بهار در اشعارش به آن پرداخته‌است.

منابع

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲)، *از صبا تا نیما*، تهران: دانشگاه تهران.
- بهار، محمدتقی (۱۳۵۷)، *تاریخ احزاب سیاسی*، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۷)، *دیوان اشعار*، تهران: نگاه.
- _____ (۱۳۷۱)، *بهار و ادب فارسی*، به کوشش محمد گلبن، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- ترابی، محمد، بی تا، *به دنبال شعر بی دروغ در دیوان سیف فرغانی*.
- ثروت، منصور (۱۳۹۰)، *آشنایی با مکتب‌های ادبی*، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- سجادی، صادق و عالم زاده، هادی (۱۳۸۰)، *تاریخ نگاری در اسلام*، تهران: سمت.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت)*، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۶۳)، «شعر بهار»، *آینده*، سال ۱۰، شماره ۱۰-۱۱.
- عابدی، کامیار (۱۳۹۰)، *به یاد میهن (زندگی و شعر ملک الشعراء بهار)*، تهران: ثالث.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۳)، *درباره ادبیات و نقد ادبی*، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- ماهیار، عباس و جدیدی، حمید رضا (۱۳۸۹)، «بازتاب وقایع روزگار بر سروده‌های دهخدا»، *زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۶۹.
- ملایی توانایی، علیرضا (۱۳۸۹)، «گذری بر جریان‌ها و مکاتب مهم تاریخ نگاری غرب»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۵۲.
- معراج، مرتضی (۱۳۸۹)، *ایران در جریان جنگ جهانی اول*، کابل.
- بی‌نا، (۱۳۹۰)، «آنان که از مشروطه گفتند جریان شناسی منابع و تاریخ نگاری‌های مشروطه»، *سوره اندیشه*، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، شماره ۵۶، ص ۲۸-۵۷.
- آبان افتلتی، علی (۱۳۸۷)، *مردی به صلابت دماوند به بهانه صدویست و دومین سال تولد ملک‌الشعراء بهار*، سایت اینترنتی جام جم.
- منبع: *سایت باشگاه اندیشه*، به نقل از کتاب «تاریخ تحولات اروپا در قرون جدید» نوشته نقی لطفی و محمد علی علیزاده، انتشارات سمت.